

نقش مُخبران در آیین دادرسی کیفری ناظر بر جرایم اقتصادی؛ مقتضیات و موانع

اعظم مهدوی پور* - نجمه شهرانی کرانی**

(تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۸)

چکیده

جرایم اقتصادی آثار مخرب فراملی دارند و درعین حال به راحتی کشف نمی‌شوند. این جرایم غالباً مأموران دولتی، فعالان اقتصادی و صاحبان بنگاه‌هایی را درگیر می‌کند که دارای ابزارهایی جهت اخفا اعمالشان می‌باشند. یکی از راه‌های مبارزه با جرم اقتصادی، همکاری رسمی مجرم با مسئولان قضایی به‌عنوان مُخبر است. این روش، از یک سو امنیت در حوزه‌ی اقتصادی را تضمین کرده و از سوی دیگر، مجرمان اقتصادی را در موقعیتی ناامن قرار می‌دهد. مخبران افرادی هستند که بهتر از هر شخص دیگری از نقشه‌های مجرمانه اطلاع دارند. ترغیب آن‌ها به گزارش اعمال مجرمانه در جهت مبارزه‌ی مؤثر با مجرمین، بسیار مهم است. کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد (مریدا) نقش چنین افرادی را در مبارزه با جرایم، بااهمیت تشخیص داده و در راستای این موضوع مقررات خاصی، از جمله ماده ۳۷ را تحت عنوان «همکاری با مراجع مجری قانون»، وضع کرده است. طبق این ماده هر کشور عضو، اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد نمود تا افرادی که در ارتکاب جرم احراز شده بر طبق این کنوانسیون شرکت می‌کنند یا کرده‌اند را ترغیب نماید تا اطلاعات مفید را به مراجع صلاحیت‌دار برای اهداف تحقیقاتی و استنادی ارائه دهند؛ بنابراین، با توجه به اینکه جرایم اقتصادی دارای دامنه وسیعی هستند و امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهند استفاده از مخبرانی که در زمینه جرایم ارتكابی خبرچینی می‌کنند می‌تواند یکی از روش‌های مؤثر کشف و تعقیب این جرایم باشد.

واژگان کلیدی: مُخبران بزهکار، جرم اقتصادی، افشای جرم، مشروعیت تحصیل
دلیل، جرایم متقابل.

* amahdavi@yaho.com

* استادیار گروه حقوق دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول).

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران - شمال.

مقدمه

جرایم اقتصادی جرایم ظریفی هستند. بیش تر این جرایم در داخل تشکیلات و نه در مکان‌های عمومی، واقع می‌شوند. به همین دلیل رؤیت‌پذیری آن‌ها نسبت به جرایم متعارف کم‌تر است. بسیاری از قربانیان از بزه‌دیدگی خودشان مطلع نمی‌شوند. شاهدان این‌گونه جرایم یا متوجه نمی‌شوند جرمی اتفاق افتاده یا اگر متوجه شوند، نمی‌دانند چه واکنشی در برابر آن جرایم از خود نشان دهند. ارتکاب این جرایم، یکی از آسیب‌های مهمی است که امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد. این موضوع بخصوص در کشورهایی که اقتصاد رانتی دارند، دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری است. بررسی‌ها نشان می‌دهد مفاسد و جرایم اقتصادی منجر به بروز فقر، محرومیت و عقب‌ماندگی می‌شود. به همین دلیل در سرتاسر دنیا، دولت‌ها درصدد مقابله و مبارزه با جرایم اقتصادی بوده تا بدین طریق به حمایت از نظم و امنیت اقتصادی برخیزند (یوسفی و همکاران ۱۳۹۲: ۱۴۷)؛ اما از آنجا که این جرایم جنبه فنی و تخصصی دارند، نظام قضایی در اجرای قانون برای کنترل و واکنش علیه این جرایم امکانات کافی ندارد؛ بنابراین سایر عوامل می‌توانند نقش مؤثری در قبال این جرایم ایفاء نمایند.

افزون بر این، فقط با مجازات نمی‌توان بروز خطا در روابط اقتصادی را سرکوب کرد. بلکه می‌توان با روش‌های دیگری سعی در کشف و تعقیب این جرایم و به تبع آن پیش‌گیری از وقوع آن‌ها نمود. یکی از شیوه‌هایی که در کشف جرایم ارتكابی بسیار مؤثر است، تشویق افراد عادی و هم‌چنین بزه‌کاران به افشای جرایم ارتكابی و استفاده از مُخبرانی است که در زمینه‌ی جرایم ارتكابی خبرچینی می‌کنند. به کارگیری مُخبران خود مشکلاتی را به وجود می‌آورد که درخور توجه هستند (Abadinsky 1994:392).

واقع امر آن است که از منظر جرم‌شناختی نیز جرایم اقتصادی از قبیل قاچاق، اختلاس و بعضاً ارتشا، به‌طور نوعی بزه‌دیده یا متضرر حقیقی ندارند، بزه‌دیده آن‌ها شخص حقیقی و در اکثر موارد دولت است. لذا شاکی ندارند و موارد اعلام به دادگاه و نهادهای تعقیب هم کم است؛ بنابراین، تنها راه کشف این قبیل جرایم نفوذ پلیس و نیروهای اطلاعاتی در باندهای قاچاق از طریق مخبرگیری، تعقیب و مراقبت سرکرده‌های مرتکبان قاچاق و ... است (یوسفی و همکاران ۱۳۹۲: ۱۵۶).

استفاده از مخبران جهت کشف و تعقیب جرایم خود با چالش‌های عمده‌ای روبه‌روست از جمله: عدم رعایت حقوق متهم در راستای دادرسی عادلانه، هزینه‌بر بودن کاربرد مخبران، معیوب شدن دلایل، تعارض با اصل مشروعیت تحصیل دلیل، تعارض با اعتبار و شأن مجریان

عدالت کیفری، تعارض با اصل قطعیت مجازات‌ها، تعارض باهدف بازدارندگی مجازات‌ها؛ اما به نظر می‌رسد به دلیل اهمیت کشف جرایم اقتصادی، استفاده از این روش جایز بوده و درعین حال باید برای آن چارچوب تعیین کرده و موانع استفاده از این شیوه را برطرف نمود. با این توضیحات در این مقاله، به منظور شناخت نقش مُخبران در آیین دادرسی کیفری ناظر بر بزهکاری اقتصادی، نخست باید مفهوم جرم اقتصادی و مُخبر، سپس مقتضیات استفاده از مُخبران در ابعاد مختلف و درنهایت موانع استفاده از مُخبران و ارائه‌ی راه کارهایی جهت رفع برخی موانع را موردبررسی قرار داد.

گفتار اول: مفهوم، پیشینه و مبانی

در ابتدا برای روشن شدن موضوع باید به تعریف دو واژه‌ی اصلی موضوع یعنی جرایم اقتصادی و مُخبران و پس از آن به پیشینه کاربرد مُخبران در مسائل کیفری و درنهایت مبانی استفاده از این روش در پرونده‌های کیفری خواهیم پرداخت.

بند اول: مفهوم شناسی

برای جرم اقتصادی تعاریف متعددی ارائه شده است که حاکی از عدم وجود اجماع در تعریف این جرم است. از آن جمله می‌توان به تعاریف زیر اشاره نمود:

«جرم اقتصادی اعمال غیرقانونی ارتکاب یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به منظور کسب امتیازات اقتصادی است. این تعریف هم‌چنین شامل فرار از مالیات، اشکال مختلف تقلب و اختلاس در شرکت‌ها و مؤسسات قانونی است» (Sjogren 2004: 1-2).

«جرائم اقتصادی اعمال ممنوعه‌ای هستند که به منافع اقتصادی موردحمایت جامعه صدمه وارد کرده یا آن‌ها را به خطر می‌اندازند» (Tiedman 1976:1-2).

«جرم اقتصادی جرمی است که به منظور کسب سود از طریق نقض اعتمادی که اساس روابط بین مرتکب و بزه‌دیده را تشکیل می‌دهد، ارتکاب می‌یابد. این جرم در چارچوب فعالیت اقتصادی رخ می‌دهد. عملیات تجاری شرکت‌ها خود قانونی هستند، اما مقررات حاکم بر این عملیات به منظور کسب پول یا کاهش هزینه، با ارتکاب جرایمی چون جرایم مالیاتی، جرایم علیه حقوق مصرف‌کننده یا جرایم زیست‌محیطی یا جرایم ناقض قوانین حاکم بر محیط کار نقض می‌شود؛ بنابراین جرم اقتصادی جرمی است که در مراکز تجاری و سایر سازمان‌ها ارتکاب می‌یابد».

1. The Swedish National council for Crime Prevention initiative on research in to Economic Crime 1998-2002:6.

جرم اقتصادی در هیچ‌یک از تعاریف فوق به‌طور کامل تعریف نشده و هر کدام از آن‌ها به یک جنبه‌ی آن توجه کرده است. در تعریف اول، به حرفه‌ای بودن؛ در تعریف دوم، به غیرحقیقی بودن بزه‌دیده و سرانجام در تعریف سوم، به بستر ارتکاب این جرایم، توجه شده است. از همین رو نگارنده با در نظر گرفتن این ایرادها تعریف زیر را ارائه می‌کند: جرم اقتصادی به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که با انگیزه‌ی کسب سود یا امتیاز مادی، در بستر نظام اقتصادی (تولیدی، توزیعی، پولی و ارزی، گمرکی، مالیاتی، بانکی، حمل‌ونقل و مصرف) و علیه آن ارتکاب می‌یابد که در نتیجه موجب اختلال در چرخه‌ی نظام و فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. در این تعریف به سه مؤلفه‌ی انگیزه، بستر ارتکاب این جرایم و بزه‌دیده‌ی جرم توجه شده و سعی بر آن بوده که تعریف جامع و مانعی ارائه شود.

ارتباط و نزدیکی جرم اقتصادی با فساد مالی، فساد اقتصادی، جرم تجاری یا بازرگانی و... به گونه‌ای است که در برخی موارد همپوشانی داشته‌اند؛ اما در مقایسه فساد مالی با جرم اقتصادی می‌توان گفت که فساد مالی، با سوءاستفاده از قدرت تفویض شده در جهت منافع شخصی، اعم از این که در بخش خصوصی باشد یا دولتی، صورت می‌گیرد که در آن ویژگی مرتکب موضوعیت دارد. ولی مرتکب جرایم اقتصادی می‌تواند هر فردی از اعضای جامعه اعم از کارکنان دولت یا دیگر طبقات اجتماعی باشد. فساد اقتصادی نیز رفتاری است که بنیان اقتصادی کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ درحالی که جرم اقتصادی ناظر به اعمال مخل سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است. در جرایم مالی، مصلحت خزانه دولت مورد تعدی و تجاوز قرار می‌گیرد و از طرفی ارزش مورد حمایت، اساساً سرمایه و دارایی اشخاص حقوقی خصوصی و عمومی است، مانند اختلاس و تدلیس در معاملات دولتی؛ ولی در جرایم اقتصادی، هدف اولیه و اساسی حفظ و حمایت از سیستم اقتصادی یعنی ساختارهای مرتبط با تولید، توزیع و مصرف مال و ثروت است، از قبیل پول‌شویی و اختلاس در نظام‌های پولی یا ارزی کشور (میرسعیدی و زمانی ۱۳۹۲: ۱۶۸). جرم اقتصادی، همان جرایم علیه اموال مانند سرقت یا کلاه‌برداری نیست، جرم اقتصادی، همچون جرایم علیه اموال یا جرایم با انگیزه مالی به سبک گذشته، جرم فقرا محسوب نمی‌شود. شخصی که صرفاً به انگیزه رفع نیاز مالی یا بدون آن، دست به ارتکاب مثلاً جرم سرقت می‌زند، نمی‌تواند یک مجرم اقتصادی دانست. حتی کلاه‌برداری نیز جرم علیه اموال است نه جرم اقتصادی مگر اینکه در شرایط خاصی ارتکاب یابد (دادخدایی ۱۳۸۹: ۵۱).

در تعریف مخبران می‌توان بیان داشت، مخبران افرادی هستند که اطلاعاتی در مورد فعالیت مجرمانه‌ی شخص دیگر، به‌طور مخفیانه به پلیس ارائه می‌دهند. گاه ارائه‌ی اطلاعات در ازای

پاداش یا به امید برخورد ارفاق‌آمیز از سوی پلیس است. هر شهروندی که به واسطه‌ی ارائه‌ی اطلاعات مفید به نظام قضایی کمک کند، مُخبر نامیده می‌شود. این تعریف شامل قربانیان، شهود، گزارش‌دهندگان، افشاء‌گران، خبرچینان ساده و هشداردهندگان می‌شود. ولی موضوع مقاله پیرامون مُخبرانی است که خود، به‌نوعی یا زمانی، درگیر در اعمال مجرمانه بوده‌اند. یا به آن‌ها اجازه داده شده که در برخی جرایم دخالت و مشارکت کنند. به دسته اول «مُخبران بزهدکار» و به دسته دوم، «مُخبران نفوذی» یا «خودی» گفته می‌شود.

بیشتر محققین و حقوقدانان معتقدند که کاربرد مخبران برای اجرای بهتر قوانین کیفری ضروری است (Haglund 1990: 1423) و عموماً بر این باورند که مخبران ابزاری بسیار باارزش برای دستگیری مجرمان هستند (Ganong 1992: 932).

برخی کشورها از طریق اعطای مصونیت از تعقیب یا تخفیف نسبی، به دنبال ارتقای همکاری این افراد هستند. در این راستا می‌توان به ماده ۳۷ کنوانسیون مریدا (۲۰۰۳)^۱ که منعکس‌کننده‌ی ماده ۲۶ کنوانسیون سازمان ملل علیه جرایم سازمان‌یافته^۲ است، استناد نمود. بر اساس این ماده می‌توان به نحو چشم‌گیری با همکاری شرکت‌کنندگان در اقدامات فاسد، به

۱. بر اساس این ماده، **الف)** هر کشور عضو، اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد نمود تا افرادی که در ارتکاب جرم احراز شده بر طبق این کنوانسیون شرکت می‌کنند یا کرده‌اند، ترغیب نماید تا اطلاعات مفید را به مراجع صلاحیت‌دار برای اهداف تحقیقاتی و استنادی ارائه دهند و کمک واقعی ویژه به مراجع صلاحیت‌دار بنمایند تا به محروم کردن مجرمان از عواید جرم و پس‌گرفتن چنین عوایدی کمک شود؛ **ب)** هر کشور عضو، در موارد مقتضی، امکان تخفیف مجازات متهمی را که همکاری اساسی در رابطه با رسیدگی یا پیگرد جرم احراز شده طبق این کنوانسیون بنماید، مدنظر قرار خواهد داد؛ **ج)** هر کشور عضو، طبق اصول اساسی قانون داخلی خود، امکان اعطای مصونیت از پیگرد نسبت به فردی که همکاری اساسی را در جریان رسیدگی یا پیگرد جرم احراز شده بر اساس این کنوانسیون نموده است، مدنظر قرار خواهد داد؛ **د)** حمایت از چنین افرادی همان‌طور که در ماده (۳۲) این کنوانسیون پیش‌بینی شده است، با اعمال تغییرات لازم، انجام خواهد شد؛ **ه)** چنانچه شخص موضوع بند (۱) این ماده که در کشور عضو است، بتواند کمک اساسی را به مراجع صلاحیت‌دار کشور عضو دیگر ارائه دهد، کشورهای عضو مربوط طبق قانون داخلی خود در خصوص این ارائه‌ی بالقوه رفتار مندرج در بندهای (۲) و (۳) این ماده توسط کشور عضو دیگر می‌توانند انعقاد موافقت‌نامه یا ترتیباتی را مورد بررسی قرار دهند.

۲. این ماده مقرر می‌دارد: **اول:** دولت‌های عضو، تدابیر مقتضی جهت ترغیب اشخاصی که در گروه‌های جنایی سازمان‌یافته مشارکت داشته یا دارند به همکاری در مواد زیر اتخاذ خواهند نمود: **الف)** ارائه اطلاعات مفید به مراجع صلاحیت‌دار به منظور تحقیق و اثبات جرم در خصوص موارد زیر: ۱- مشخصات، ماهیت، ترکیب، ساختار، مکان یا فعالیت‌های گروه‌های مجرمانه‌ی سازمان‌یافته؛ ۲- ارتباطات این گروه‌ها با سایر گروه‌های جنایی سازمان‌یافته از جمله ارتباطات بین‌المللی آن‌ها؛ ۳- جرایمی که توسط گروه‌های جنایی سازمان‌یافته ارتکاب یافته یا ممکن است ارتکاب یابد. **دو:** دولت‌های عضو، امکان تخفیف مجازات متهمانی را که در جریان تحقیق یا محاکمه جرایم موضوع این کنوانسیون، همکاری قابل توجهی می‌نمایند در موارد مقتضی، مدنظر خواهند داد. **سوم:** دولت‌های عضو منطبق با اصول اساسی حقوق داخلی خود امکان اعطای مصونیت از محاکمه به افرادی که در جریان تحقیق یا رسیدگی به جرایم موضوع این کنوانسیون همکاری قابل توجهی می‌نمایند را مدنظر قرار خواهند داد. **چهارم:** حمایت از این‌گونه اشخاص طبق مفاد ماده ۲۴ این کنوانسیون (حمایت از شهود) صورت خواهد گرفت.

تحقیق درباره‌ی مجرمان حرفه‌ای و فرایند اعمال قانون در مورد آن‌ها کمک کرد.

الف) تفکیک مخبران از سایر گزارش‌گران؛ اغلب نویسندگان مخبران را در کنار افشاکنندگان، گزارش‌دهندگان و... به کار می‌برند. در حالی که هریک از این گروه‌ها ویژگی‌های خاص خود دارند و نسبت به یکدیگر متفاوتند. به همین دلیل است که کنوانسیون‌های مختلف سازمان ملل (مریدا و پالرمو) در مواد جداگانه به بحث راجع به این گروه‌ها پرداخته‌اند. به عنوان مثال ماده ۳۳ کنوانسیون مریدا به بحث حمایت از گزارش‌دهندگان اختصاص داده شده است. در این ماده منظور از گزارش‌دهندگان افرادی است که با حسن نیت، بنا بر دلایل معقول و بدون انتظار هیچ گونه پاداشی، هر واقعتی مربوط به جرایم مقرر شده در کنوانسیون را به مقامات صالح گزارش می‌دهند. گزارش‌دهندگان به طور معمول کارمندان بخش‌های دولتی یا خصوصی هستند که در سازمان خود متوجه ارتکاب جرم از سوی همکاران خود می‌شوند. افشای جرم در اکثر نظام‌های قضایی قاعده‌ی الزامی و نیز تکلیف حرفه‌ای است که در صورت عدم رعایت، ضمانت اجراهای مدنی، کیفری و انضباطی را در پی خواهد داشت. به عنوان مثال، مقنن در ماده ۶۰۶ ق.م.ا. نیز هریک از مأمورین و مستخدمین دولتی که وظیفه اداره و سرپرستی یک سازمان یا اداره‌ای را داشته باشند مکلف به اعلام وقوع جرایم خاص ارتشا و... نموده و در صورت امتناع مسئولان و مدیران واحدهای دولتی از اعلام وقوع جرایم خاص در واحد تحت نظر و اداره خود ضمانت اجرای کیفری مشخص نموده است. طبق این ماده همین قدر که وقوع جرم گزارش داده شود کافی است و لازم نیست مرتکب جرم را نیز معرفی نماید؛ زیرا مقنن تکلیف به اعلام وقوع جرم نموده، نه معرفی مرتکب جرم؛ ولی اعلام جرم از سوی مخبران هیچ گاه اجباری نیست.

ب) مقایسه مخبران بزهکار با مخبران نفوذی؛ در کشف جرم و جمع‌آوری ادله، از عوامل و مأموران مخفی پلیس نیز استفاده می‌شود. وجه اشتراک مخبران بزه کار و مخبران (خبرچین‌های) پلیس، کمکی است که به مسئولین تعقیب کیفری در انجام وظایف تحقیقاتی خود ارائه می‌دهند. با وجود این اشتراک، تفاوت‌هایی نیز بین آن‌ها وجود دارد.

مخبران بزهکار، آن دسته مخبرانی هستند که خودشان زمانی در گیر اعمال مجرمانه بوده‌اند و به خاطر منفعت خودشان همکاری می‌کنند. این دسته از مخبران در قبال اطلاعاتی که به پلیس می‌دهند، توقع رفتار مساعد و متفاوت در خصوص جرایم ارتکابی خودشان دارند. ولی انگیزه‌ی عوامل مخفی (پلیس) منفعت شخصی نیست. آن‌ها فعالیت تحقیقاتی خود را مخفیانه و در شرایطی دشوار انجام می‌دهند. شرکای (بزه کار) همکاری کننده معمولاً خدمات خودشان را

اختیاری، با نزدیک شدن به پلیس و پیشنهاد کمک ارائه می‌دهند. ولی سایر همکاری کنندگان توسط مقامات تحقیق با مأموریت خاص به این کار گمارده می‌شوند. (Abadinsky 1994: 109)، معمولاً این نفوذ با کسب مجوز از مقامات صالح صورت می‌گیرد و باید مکتوب و موجه باشد و در آن، جرم یا جرایمی که این شیوه را توجیه می‌کند، هویت پلیس مسئول عملیات و مدت عملیات، ذکر شود. افسر یا مأمور پلیس قضایی، به این منظور اجازه‌ی استفاده از هویت مستعار را دارد.^۱

بند دوم: پیشینه‌ی مداخله مُخبران

استفاده از مُخبران به زمان‌های بسیار قدیم برمی‌گردد. جاناتان وایلد (۱۷۲۵-۱۶۸۲) سارق و مُخبر افسانه‌ای انگلیسی بود که صد نفر از دزدان را بالای دار فرستاد و در همان‌جا به زندگی خود نیز خاتمه داد. حداقل از زمان وایلد، مخبران در ازای دریافت پول یا برخی اقدامات مطلوب در رابطه با اتهامات بزه‌کارانه علیه خودشان یا هر دو مورد، اطلاعاتی ارائه می‌دادند.

در آشکار ساختن موضوع رشوه‌خواری «اسپرو آگنو» معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا^[۱] و افشای دست‌داشتن مسئولین کاخ سفید در ماجرای واترگیت در دهه ۱۹۸۰، مُخبران نقش اصلی داشتند (در آن ماجرا هر تاجر داخلی که در تنگنا قرار گرفته بود علیه‌ی دیگر مجرم ثروتمندتر و قدرتمندتر شواهدی ارائه می‌داد) (Friendrichs 1995:23).

امروزه، در انگلستان نیز نهادی به نام نظارت خبرگیرانه برای جاسوسی از مجرمان خطرناک شکل گرفته که به‌عنوان مدل سیاست‌گذاری در زمینه اطلاعات شناسانده شده و نخستین بار در سال ۲۰۰۰ با توجه به مدل خبرگیری ملی انگلستان و در زیر آن پدید آمد. در این مدل «فرایندی سه مرحله‌ای برای بررسی اطلاعات در راستای پیشگیری یا کاهش بزه‌ها و پیکار با باندهای جنایی پیش‌بینی شده است: گام نخست کنکاش و بررسی محیط جنایی از سوی مدیریت عالی خبرگیری، گام دوم شناساندن آگاهی‌های به‌دست آمده از سازمان‌های جنایی به نهادهای تصمیم‌گیر و گام سوم بهره‌گیری از تصمیم‌های نهادهای پیش‌گفته جهت پیشگیری یا کاهش بزه. همانند نهاد بالا در سایر کشورها مانند ایالات متحده، استرالیا و کانادا نیز بنیاد گرفت» (Jensen neil 2005: 228).

در فیلیپین نیز خبرگیری به‌عنوان یکی از شیوه‌های مهم مبارزه با بزهکاری شناخته شده است. طبق ماده ۸ قانون امنیت انسانی فیلیپین مصوب ۲۰۰۷ «اقدام‌های مربوط به خبرگیری باید

۱. برای نمونه مراجعه نمایید به ماده ۸۳-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه.

با درخواست کتبی از دادگاه پژوهش انجام شود» (عالی پور ۱۳۸۷: ۲۱۹).

بند سوم: مبانی

به کارگیری مُخبران در جرایمی از قبیل جرایم اقتصادی، سؤالات اخلاقی پیچیده‌ای مطرح می‌کند. از یک سو، مدارای نامتناسب ممکن است شامل مُخبرانی شود که خودشان مرتکب جرایم شدید شده‌اند و ممکن است از موقعیت خود به عنوان مُخبر، برای ارتکاب جرایم بیش‌تر، همراه با نوعی مصونیت از تعقیب کیفری، سوءاستفاده کنند. از سوی دیگر، بدون کمک مُخبران دعوی علیه مجرمان بزرگ اغلب قابل طرح نیست و افشای این جرایم به وجود آن‌ها بستگی دارد.

مُخبران اطلاعات مهمی در اختیار نظام عدالت کیفری قرار می‌دهند که می‌تواند به تحقیق، دستگیری و محکومیت فرد بزه‌کار منجر شود. این مسئله کاملاً اجتناب‌ناپذیر است که آن دسته کسانی که دقیق‌ترین و متهم‌کننده‌ترین اطلاعات را راجع به فعالیت‌های مجرمانه در اختیار دارند؛ خودشان به میزان متغیر در آن فعالیت نقش داشته‌اند.

در این زمینه، سخنان **دیدرو**^۱ در مورد مُخبران قابل استناد است: «هیچ کس نمی‌تواند مزیت ایجاد یک دیوار بی‌اعتمادی میان تبهکاران را نادیده بگیرد. بی‌اعتمادی، آنان را نسبت به یکدیگر مظنون کرده و هول و هراس از همدیگر را در میانشان ایجاد می‌کند. ترس از هم‌دستان در ارتکاب جرم و متهم کردن مداوم نسبت به یکدیگر را نیز باعث می‌شود. اخلاق انسانی که منشأ قوانین است هدف اثبات و برقراری نظم عمومی را دارد و اخلاق هیچ‌گاه این پرهیزگاری و وفاداری جانیان و تبهکاران به یکدیگر، برای برهم زدن نظم عمومی و هم‌چنین نقض قوانین، همراه امنیت بیش‌تر برای آنان را نمی‌پذیرد» (جعفری ۱۳۸۶، ۱۰۸).

اعلام جرم به پلیس یا مسئولان قضایی در زمانی که عمل مجرمانه در دنیای اقتصاد اتفاق می‌افتد و دادسرا از آن بی‌خبر است؛ نوعی شفاف‌سازی است. عمل مُخبران نوعی اعلام جرم است، بدون این که از قبل در این مورد تقاضایی از سوی سیستم قانونی یا قضایی مطرح شده باشد. مجرم اقتصادی خود رأساً تصمیم به افشای جرمی می‌گیرد که در آن دخالت داشته است. در اینجا انگیزه‌ی مُخبر هیچ تأثیری ندارد. مسئله‌ی مهم برای قانون‌گذار گردآوری اطلاعات ضروری برای مبارزه با جرایم اقتصادی است.

در هر شکل، با وجود ایراداتی که به استفاده از این روش وارد آمده، لزوم وجود آن در

برخی حوزه‌های قضایی امری غیرقابل انکار است. در ادامه به طور مفصل این مقتضیات بیان می‌شود.

گفتار دوم: مقتضیات

در برخی جرایم، کشف جرم بنا به دلایل مختلف کار سخت و پیچیده‌ای است. جرایم بدون بزه دیده، جرایم توأم با رضایت طرفین و جرایمی که قربانی آن‌ها به علت ترس یا ناآگاهی از وقوع جرم شکایتی نمی‌کند؛ همگی در زمره‌ی این جرایم هستند. جرایم اقتصادی از نمونه‌های بارز این موضوع‌اند. به عنوان مثال در جرم ارتشاء، وقتی رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده خود راضی به ارتشاء هستند، چگونه ممکن است بتوان با روش‌های عادی تحقیق، جرم را کشف کرد؟ یا وقتی مشتری از قیمت واقعی کالاها یا خدمات مطلع نیست، آیا می‌توان از او انتظار داشت از گران‌فروشی شکایت کند؟ به دلیل همین ویژگی‌ها و ماهیت برخی جرایم اقتصادی و برای مقابله با ناکارآمدی روش‌های سنتی کشف جرم، در برخی موارد استفاده از مرتکبان خود این جرایم تنها راه چاره است. این مقتضیات به شرح زیر است:

بند اول: ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی

جرایم اقتصادی از ویژگی‌های خاصی برخوردارند. کشف و تحقیق در مورد این جرایم با دشواری‌های خاصی روبه‌رو بوده و همین امر خود توجیهی است برای استفاده از مُخبران. از جمله این‌که:

الف) مجرمان اقتصادی با اشراف به اطلاعات، مانند یک کارشناس عمل می‌کنند و بهتر می‌توانند جرمشان را مخفی نمایند. این موضوع به جرم اقتصادی، پیچیدگی خاصی می‌بخشد که حل آن برای پلیس بسیار دشوار می‌شود.

ب) جرایم اقتصادی با موقعیت و شغل مرتکبان ارتباط تنگاتنگ دارد و در محیط کاری ارتکاب می‌یابد. از این رو، نامریبی هستند، بدون این‌که ضابطین و اذهان عمومی را تحریک نمایند مخفی نگه‌داشته می‌شوند. این جرایم از نظر جرم‌شناسی عمدتاً آپارتمانی هستند.

ج) جرایم اقتصادی با سوءاستفاده از اعتبار و اعتمادی که شغل قانونی مرتکبان ایجاد می‌کند، ملازمه دارد.

د) مرتکبان این جرایم، گاه زنجیره‌ی انسانی مرکب از بزه‌کاران متخصص و سازمان‌یافته را تشکیل می‌دهند و چنان‌که به وقوع بپیوندند مسئولیت کیفری بین آن‌ها توزیع می‌شود.

ه) بزه‌دیدگی در این جرایم، غیر ملموس و بزه‌دیده در واقع غیر شخصی و اعتباری است، مانند نظام اقتصادی، بهداشت و اعتماد عمومی.

و) آثار این جرایم مستمر است و در طول زمان جلوه‌گر می‌شود. برای مثال در مورد جرم تبلیغات خلاف واقع، بزه‌دیده‌ی آتی وجود ندارد و مصرف‌کننده و متعاقباً اقتصاد کشور در طول زمان از بزه‌دیدگی خود، آگاه می‌شود (نجفی ابرندآبادی ۱۳۸۴: ۲۲۵۹-۲۲۵۲).

بند دوم: ماهیت خاص برخی جرایم اقتصادی

برخی مصادیق جرم اقتصادی به دلیل برخورداری از ماهیت خاص، به کارگیری مخبران را اقتضاء می‌کند، از آن جمله:

الف) جرم‌های مربوط به حقوق رقابتی: استفاده از اطلاعات مخبران در حقوق رقابتی از کارایی بسیار بالایی برخوردار است. حقوق رقابتی بر اساس انتظام روابط بین شرکت‌های بازرگانی و بازرگانان و تأثیرگذاری آن‌ها بر بازار ایجاد شده تا از اقدام‌های خارج از چارچوب رقابتی سالم (مانند سیستم‌های بایکوت، پایین آوردن قیمت، سوءاستفاده از موقعیت برتر نسبت به دیگر شرکت‌ها و ...) پیش‌گیری کند. این گونه فعالیت‌ها برای مسئولان قضایی - چه از نظر کشف و چه به لحاظ مبارزه علیه آن - پیچیده بوده و مشکل می‌سازند. به همین دلیل است که قانون‌گذاران برخی کشورها از جمله فرانسه با دادن پاداش به اشخاصی (حتی اشخاص حقوقی مانند شرکت‌ها) که شناسایی چنین اقدام‌هایی را برای دادسرا تسریع می‌کنند، سعی در رفع مشکل نموده‌اند (جعفری ۱۳۸۶: ۱۱۵).

ب) جرایم اقتصادی سازمان‌یافته: از آنجا که نفوذ در گروه‌های مجرمانه‌ی سازمان‌یافته بسیار مشکل و خطرناک است، این شیوه بیش‌ترین کارایی را برای فروپاشی شبکه‌های مجرمانه‌ی سازمان‌یافته دارد. در این راستا وسیله‌ی رسیدن به این هدف در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارد. جرایم سازمان‌یافته‌ی جوامع امروزی آن قدر پیچیده و حساب‌شده واقع می‌شوند که برخی اوقات بستن دست نظام قضایی به منزله‌ی آزاد گذاشتن مجرمان است. در پیشرفته‌ترین کشورها و مجهزترین پلیس‌های دنیا نیز نمی‌توان انتظار معجزه داشت. به همین دلیل در قوانین کشورهای مختلف مانند استرالیا، ایتالیا و ... تأکید شده که لازم است از خبرچین‌ها به نحو بهتری استفاده شود؛ بنابراین، باید به عواملی که در سطوح پایین تری قرار دارند، مشوق‌های بهتری داده شود تا درباره‌ی جرایم سازمان‌یافته اطلاعات لازم را ارائه دهند (معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه ۱۳۸۸: ۲۸-۲۱).

ج) جرایم اقتصادی بدون بزه‌دیده: برخی جرم‌های اقتصادی فاقد بزه‌دیده هستند. جرایم بدون بزه‌دیده آن دسته جرایمی هستند که هیچ بزه‌دیده‌ی معینی ندارند (Schur 1995: 28). به نظر می‌رسد منظور از بزه‌دیده‌ی معین، بزه‌دیده‌ی مستقیم باشد.

همان‌گونه که می‌دانیم، جهت تعقیب جرایم دو سیستم رایج در دنیا وجود دارد: ۱- سیستم قانونی بودن تعقیب و ۲- سیستم مقتضی بودن تعقیب. در سیستم قانونی بودن، مقام عمومی به محض اطلاع از وقوع جرم مکلف به تعقیب است و حق بایگانی کردن پرونده یا تعلیق تعقیب را ندارد. درحالی‌که در روش مقتضی بودن تعقیب مقام تعقیب می‌تواند تحت شرایطی تعقیب را تعلیق کرده یا پرونده را بایگانی کند. به‌رغم تفاوت بین دو سیستم از لحاظ تعقیب متهم، در مورد جرایم بدون بزه‌دیده، به جریان افتادن دعوی کیفری در هر دو حال چندان تفاوتی ندارد؛ بنابراین مشکل به جریان نیفتادن دعوی کیفری در اکثر قریب به اتفاق جرایم بدون بزه‌دیده باقی خواهد ماند. این مشکل در نظام کیفری کشور ما نیز وجود دارد و کماکان بیش‌تر نمایان می‌شود. چون از یک سو صرف وقوع جرم برای شروع تعقیب کیفری کافی نیست، بلکه شروع به تحقیقات و رسیدگی مستلزم وجود جهات قانونی است. به‌عنوان مثال، ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ جهات قانونی برای تحقیقات و رسیدگی را بیان کرده که اولین مورد آن «شکایت شاکی خصوصی» است. گفتنی است شکایت شاکی خصوصی در مواردی است که کسی از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده و آن را مطالبه کند (آشوری ۱۳۷۶: ۱-۲۳). درحالی‌که در جرایم بدون بزه‌دیده معمولاً کسی خود را متضرر از جرم ندانسته و شکایتی به دادگاه ارائه نمی‌دهد.

از سوی دیگر، به‌موجب ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، جرایم به سه دسته تقسیم می‌شوند و بر اساس ماده ۳ همان قانون «تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی برابر ضوابط قانونی به عهده رئیس حوزه قضایی است و از جهت جنبه خصوصی با تقاضای شاکی خصوصی شروع می‌شود»^۱. صرف نظر از مباحثی که در مورد جرایم قابل‌گذشت و جرایم غیرقابل‌گذشت و ضابطه‌ی تفکیک آن‌ها وجود دارد، نگاهی به جرایمی که طبق تعریف، ممکن است جرایم بدون بزه‌دیده تلقی شوند بیانگر این امر است که این جرایم غالباً جزء حدود و تعزیرات شرعی یا جرایم محل نظم عمومی بوده و تعدی

۱. همچنین به‌موجب ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، جرایم دارای جنبه الهی هستند و براساس ماده ۱۱ قانون موصوف تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است.

به حقوق شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی در مورد آن‌ها کمتر صدق می‌کند. اقدامات علیه محیط زیست (ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵)، افشای اطلاعات نهانی، جرم دست کاری در قیمت بازار^۱ و ... از جمله مواردی هستند که ممکن است از دید کسانی که قائل به وجود جرایم بدون بزه دیده هستند جزء این جرایم محسوب شوند. در هیچ کدام از جرایم فوق شخص حقیقی مشخصی به طور مستقیم از وقوع این جرایم متضرر نمی‌شود و شروع به تعقیب هم منوط به شکایت شاکی نیست. مدعی‌العموم رأساً موظف به تعقیب متهمان است. در جرایم بدون بزه دیده، مرتکبان تمایلی به تعقیب جرم و حتی کشف آن ندارند؛ همواره به جریان افتادن دعوای عمومی در این موارد با مشکل مواجه است. تعداد مواردی که جرم به صورت مشهود واقع شده و مقامات صالحه از آن مطلع می‌شوند یا این که توسط اشخاص ثالث اعلام جرم شده و تعقیب صورت می‌گیرد به گونه‌ی فاحشی متفاوت از تعداد وقوع این جرایم در عالم واقع است. این مطلب خود اصلی‌ترین دلیل بالا بودن رقم سیاه در این جرایم است (رهامی ۱۳۸۷: ۹۱). در این گونه موارد دستگاه قضایی از کشف جرایم بازمی‌ماند. در نتیجه نظام قضایی ممکن است جهت کشف و تعقیب این جرایم متوسل به شیوه‌هایی از جمله اطلاعات مخبران شوند.

د) بزهکاری متقابل (جرایم اقتصادی توأم با رضایت): بزهکاری متقابل شامل آن دسته از جرایمی است که کنشگران آن را نمی‌توان مجرم و بزه دیده دانست، زیرا هر دو آن‌ها به نوعی مجرم هستند؛ مانند رشاء و ارتشاء. همان‌طور که می‌دانیم جرایم اقتصادی خشونت‌آمیز نیستند و یکی از شگردهای مجرمان اقتصادی در گیر کردن سایرین در فعالیت‌های مجرمانه‌شان است. آن‌ها به فعالیت‌هایی متوسل می‌شوند که طرف مقابل را نیز در ارتکاب عمل مجرمانه شریک کنند. به عنوان مثال، در جرایم اقتصادی که عنصر مادی آن‌ها به صورت ارائه‌ی خدمات غیرقانونی است؛ نوعی تحول و دینامیک داخلی به چشم می‌خورد. این نوع خدمات و رفتارها، بیش تر شبیه نوعی فعالیت اقتصادی است که کنشگرانش را نمی‌توانیم مجرم و بزه دیده بدانیم،

۱. بر اساس ماده ۴۶ قانون اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ - اشخاص زیر به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل شده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد: الف) هر شخصی که «اطلاعات نهانی» مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به نحوی از انحاء به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آن‌ها به هر عنوان نمایندگی داشته باشد، قبل از انتشار عمومی، مورد استفاده قرار دهد یا موجبات افشای آن‌ها را در غیر موارد مقرر فراهم نماید. ب) هر شخصی که با استفاده از «اطلاعات نهانی» به معاملات اوراق بهادار مبادرت نماید. ج) هر شخصی که اقدامات وی نوعاً منجر به ایجاد ظاهری گمراه کننده از روند معاملات بهادار یا ایجاد قیمت‌های کاذب و یا اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار شود.

آن‌ها مانند خریدار و فروشنده‌ای هستند که هر دو در ارتکاب آن عمل رضایت دارند؛ بنابراین در بزه‌کاری مبتنی بر دادوستد غیرقانونی، هر دو طرف به‌نوعی مجرم هستند و نفعشان در این است که جرم ارتكابی کشف نشود. لذا مجرم و معنی‌علیه به آن شکلِ موردنظر ما وجود ندارد. همان‌قدر که در بزه‌کاری خشونت‌آمیز بزه‌دیدگان به‌سوی پلیس هدایت می‌شوند تا جرم را افشا کنند؛ در بزه‌کاری ناشی از دادوستد غیرقانونی، به لحاظ فقدان بزه‌دیدگی مستقیم، پلیس و دستگاه قضایی در وضعیت روشنی قرار ندارند؛ زیرا مطالباتی در زمینه‌ی امنیت وجود ندارد. هر دو طرف جرم، خود را زمانی در امنیت می‌بینند که پلیس به عمل آن‌ها توجه نکند و به سراغ آن‌ها نیاید. از طرف دیگر، این نوع جرایم حساسیتِ جامعه را برنمی‌انگیزد و افکار عمومی را بسیج نمی‌کند (نجفی ابرندآبادی ۱۳۷۹: ۸۷۳-۸۷۲).

بدین ترتیب به نظر می‌رسد استفاده از خود بزه‌کاران در چنین جرایمی بهترین روش برای کشف آن‌ها باشد؛ و احتمالاً به همین دلیل است که قانون‌گذار ایران در تبصره ۲ ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: «در صورتی که رشوه‌دهنده ... پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید، از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد». با وجود لزوم به کارگیری مخبران برای مبارزه با جرایم اقتصادی، به دلایل مختلفی استفاده از این روش با موانع جدی روبه‌رو است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

گفتار سوم: موانع

معمولاً مواقعی که افراد به‌عنوان مُخبر عمل می‌کنند، به‌طور غیررسمی به آنان اجازه‌ی فعالیت غیرقانونی داده می‌شود. هر قدر مُخبر پیش‌تر به فعالیت جنایت‌کارانه مشغول شود، کمک و همکاری او به همان اندازه مفیدتر واقع می‌شود. این امر مسائل سیاسی و اخلاقی مختلفی را پیش می‌آورد. آیا باید در قبال همکاری، مصونیت از مجازات قانونی به این افراد اعطاء شود؟ اگر چنین است چه کسی باید تصمیم بگیرد؟ عاملی که از فعالیت‌های مُخبر مستحضر می‌شود، سرپرست این عامل یا دادستان (مقام تعقیب) که از وضعیت آگاهی می‌یابد یا قاضی رسیدگی‌کننده؟ آیا می‌توان به یک بزه‌کار اجازه داد آزاد و مصون از مجازات باشد، چون وجود او برای مقامات اجرای قانون در زمینه‌ی کشف جنایات مفید است؟

این امر، ایرادهای دیگری نیز دارد. اختیار دادن به مُخبران، گاه امکانِ برخوردِ گزینشیِ آن‌ها را فراهم می‌آورد و گاه نامبردگان با گزارش‌ها و شهادت خلاف واقع، موجبات انحراف و گمراهی مسیر عدالت را فراهم می‌آورند و امکان افساد پلیس و مأموری که آن‌ها با او کار

می‌کند، فراهم می‌شود (Abdinsky 1994: 392-393).

بند اول: عدم رعایت حقوق متهم در راستای دادرسی عادلانه

امروزه حق برخورداری از دادرسی منصفانه، به‌عنوان یکی از مصادیق مهم حقوق بشر مورد توجه است و اهمیت آن تا آنجاست که گفته شده «بر سایر حقوق بشر، تفوق دارد» (استفانی ۱۳۸۴: ۱۸۰). آگاهی از موضوع و علل اتهام یکی از مهم‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهمان در تمام مراحل رسیدگی کیفری به شمار می‌رود. منظور از علل اتهام، آن دسته از داده‌های عینی است که مبنای ایراد اتهام قرار گرفته‌اند. بیش‌تر مٌخبران، به این شرط حاضر به همکاری با نظام عدالت کیفری می‌شوند که هویت آنان افشا نشود، چون بیم آن را دارند که با افشای هویتشان نزد هم‌دستان بزه‌کار خود، جان خود و بستگانشان در معرض خطر قرار گیرد. لذا ممکن است سیستم قضایی جهت استفاده از اطلاعات آنان، با عدم افشای هویت مٌخبران گامی در جهت نقض حقوق متهم بردارند. از جمله حقوقی که ممکن است در این راستا تهدید شوند عبارت‌اند از: حق متهم در مورد اطلاع از ادله‌ی ابرازی، روبه‌رو شدن با شهود و حق طرح پرسش از گواهان و مطلعان.

در بند (ه) (۳) ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی^۱ - که دولت ایران هم آن را امضاء و تصویب کرده است - به‌نوعی حق متهم در رویارویی با شهودی که علیه او شهادت داده‌اند، بیان شده است. این حق به‌عنوان یکی از ارکان اساسی فرایند دادرسی اتهامی مدنظر قرار گرفته است (رحمدل ۱۳۸۸: ۳۱۸).

مواجهه با شهود، به متهم این اجازه را می‌دهد تا به‌طور مستقیم شهادتی که به‌وسیله‌ی شهود دادستان در محضر دادگاه و هیئت منصفه ارائه شده را به چالش بکشد. متهم می‌تواند سوء پیشینه‌ی کیفری شاهد و دیگر موضوعات مرتبط، همانند مصونیت یا تخفیف مجازات که باعث شده شاهد دروغ بگوید را ارائه نماید. مواجهه با شهود بهترین روش جهت کشف صحت و سقم اظهارات شهود است و استناد به اظهارات مٌخبران - مخصوصاً مواردی که هویت آن‌ها افشا نشده - با این حق متهم به‌طور قطعی در تعارض است.

۱. بند (ه) (۳) ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود حق دارد از گواهانی که علیه او شهادت می‌دهند سؤال بکند یا بخواهد که از آن‌ها سؤال بشود.

بند (ی) (۲) ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند (ه) ماده ۲۱ اساس‌نامه‌ی دادگاه یوگسلاوی، بند (ه) (۴) ماده ۲۰ اساس‌نامه‌ی دادگاه رواندا و بند (ه) (۱) ماده ۶۷ اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز به این حقوق اشاره کرده‌اند



بند دوم: هزینه‌بردار بودن به کارگیری مخبران

بند ۴ ماده ۳۷ کنوانسیون مریدا از کشورهای عضو می‌خواهد تا حمایت‌های ماده ۳۲ که در رابطه با شهود، کارشناسان و بزه‌دیدگان است؛ در مورد مخبران نیز اعمال شود، مخبرانی که در تحقیق یا تعقیب یک جرم مقرر شده بر اساس کنوانسیون، همکاری اساسی ارائه کرده‌اند. این بدان معناست که چنین اقدامات حمایتی باید در توان کشورهای عضو باشد. به نظر می‌رسد اتخاذ چنین اقدامات حمایتی جهت کشف جرایم اقتصادی ضروری است؛ زیرا چنین شخصی - که زمانی خود عضو اصلی گروه‌های مجرمانه بوده - بایستی آن‌چنان ترغیب شود که هم گروه مجرمانه را ترک نماید و هم حاضر به همکاری با پلیس شود. به‌طور قطع این دسته از مُخبران از سوی هم‌دستان سابقشان مورد تهدیدات جانی قرار می‌گیرند و هرلحظه این امکان وجود دارد که از سوی آنان مورد انتقام‌جویی قرار گیرند. پس اتخاذ چنین تدابیری، نه تنها جهت حفظ امنیت جانی و روانی مُخبران، بلکه برای تشویق این افراد در ارائه‌ی اطلاعات مفید به دستگاه قضایی لازم است.

در این راستا در حقوق ایران، ماده ۱۲ «بخشنامه ۱۹ ماده‌ای امضا شده از سوی معاون اول رئیس‌جمهور برای مبارزه با مفاسد اقتصادی» مورخ ۸۹/۱/۱۹ مقرر می‌دارد: «به منظور تأمین حمایت از هر کسی که با حسن نیت و دلایل معقول، واقعیت مربوط به جرایم احراز شده را به مقامات صلاحیت‌دار گزارش می‌دهد؛ اقدامات مراقبتی و تأمینی مقتضی را در برابر هرگونه تهدید یا رفتار غیرقابل توجیه، انجام دهند».

اقدامات حمایتی که در ماده ۳۲ کنوانسیون مریدا و ماده ۲۴ کنوانسیون پالمو در نظر گرفته شده، هم از نظر مالی و هم از نظر قضایی هزینه‌بردار هستند. از جمله اقدامات حمایتی که در این مواد مقرر شده، عبارت‌اند از: رسیدگی غیرعلنی به ادله‌ی حساس که می‌توان رسانه‌ها و سایر ناظران را از آن محروم کرد، محدودیت‌های قانونی در مورد تعهد به افشا، تغییر محل زندگی، ممکن ساختن محدودیت‌هایی برای افشای اطلاعات راجع به هویت و محل زندگی آن‌ها، حمایت از وابستگان و سایر افراد نزدیک به آن‌ها در برابر انتقام‌جویی یا تهدید بالقوه، تغییر در صدا و تصویر ارائه شده از مُخبر و ...

تجربه‌ی کشورهای که دارای طرح‌های حمایتی هستند نشان‌دهنده‌ی آن است که برای تأمین حمایت کافی جهت تضمین این که این افراد بخواهند با نهادهای تحقیق و تعقیب همکاری کنند، رویکرد گسترده‌تری در اجرای این مقررات لازم خواهد بود و در جایی که یک شخص می‌تواند به منظور مبارزه با این جرایم، اطلاعات مهمی برای بیش از یک کشور

عضو ارائه دهد؛ بند ۵ ماده ۳۷ کنوانسیون مریدا کشورهای عضو را تشویق می‌کند که این امکان را فراهم کنند تا به یک توافق جمعی درباره‌ی مجازات تخفیف یافته یا اعطای مصونیت به این فرد، در رابطه با اتهاماتی که ممکن است در هر یک از این کشورها علیه او طرح شود، توجه کنند. کشورهای عضو ممکن است به منظور افزایش توان خود در انجام این کار به امکان مجازات تخفیف یافته برای چنین افرادی یا اعطای مصونیت از تعقیب به آن توجه کنند. البته این گزینه‌ای است که کشورهای عضو ممکن است بسته به اصول بنیادین خود بتوانند یا نتوانند آن را انتخاب کنند. با این حال لازم به ذکر است که در کشورهایی که تعقیب برای تمامی جرایم الزامی است، چنین اقداماتی نیاز به قانون گذاری دیگری دارد.

در نظام ندامتگاه‌ها نیز برای حفاظت از جان افرادی که با قانون همکاری می‌کنند، به تدابیر خاص نیاز است. شعبه خاص اداره زندان‌ها معمولاً این اقدامات را با همکاری واحد حمایت اجرا می‌کنند. این اقدامات شامل موارد زیر هستند:

الف. جداسازی از جمعیت عمومی زندان.

ب. استفاده از نام متفاوت برای زندانی - شاهد.

ج. ترتیبات ویژه‌ی حمل و نقل برای شهادت در دادگاه.

د. جداسازی در واحدهای ویژه‌ی بازداشتی در زندان یا حتی در زندان‌های ویژه.

پس از آزادی از زندان، اگر جان افرادی که با قانون همکاری می‌کنند همچنان در معرض تهدید باشد و سایر شرایط نیز مهیا باشد، ممکن است ایشان با یک هویت متفاوت به مکانی جدید و مخفی منتقل شوند. با این حال، مادامی که شاهد در بازداشت به سر می‌برد اعضای خانواده‌ی وی در برنامه پذیرفته می‌شوند.

گاهی شاهد - زندانی پس از آزادی از زندان و پذیرش در برنامه، جرایم جدیدی مرتکب می‌شود و در نتیجه از برنامه حمایت از شهود اخراج می‌شود. به منظور تضمین این که بازگشت آنان به زندان، جان ایشان را به دلیل همکاری گذشته‌شان به خطر نیندازد، رئیس زندان می‌تواند ایشان را در برنامه پایش (نظارت) زندانیان قرار دهد و از زندانیانی که برای آنان خطر ایجاد می‌کنند، جدا کند.

به عنوان مثال در منطقه‌ی ویژه‌ی اداری هنگ کنگ چین و در هلند، به منظور تضمین امنیت شهودی که در معرض بیش‌ترین خطر قرار دارند و در زندان به سر می‌برند یا به زندان بازگردانده می‌شوند، واحدهای ویژه‌ی امنیتی در نظام زندان‌ها ایجاد شده‌اند. این افراد معمولاً جدا از سایر زندانیان و به ویژه جدا از افرادی زندانی می‌شوند که به عنوان شاهد در همان پرونده

شهادت می دهند (معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه ۱۳۸۸: ۳۵).

بند سوم: معیوب شدن دلایل

پیشنهاد جوایز مالی، تخفیف مجازات یا مصونیت از تعقیب به مجرم، در ازای همکاری در تحقیق و تعقیب سایر مجرمان، یک خطر جدی در پی دارد: ارائه دلایل و مدارک دروغین. هر مخبری، اعم از تازه کار و یا حرفه‌ای دارای انگیزه‌های قوی برای دروغ گفتن است. مخبر، اطلاعات را در مقابل آزادی معامله می کند و زمانی که هیچ چیزی برای معامله نداشته باشد جهت به دست آوردن آزادی اش، اقدام به هر کاری از جمله ایجاد اطلاعاتی - هرچند دروغین - می نماید (Haglund, 1990:1412).

دادگاه‌های عالی کشورهای مختلف، موقعیت‌هایی را مورد ملاحظه قرار داده‌اند که به علت به کارگیری مخبران دچار مشکل شده‌اند (United States v Bernal 1993: 331)، به عنوان مثال در کانادا جدیدترین بحث در مورد به کارگیری مخبران در سیستم قضایی توسط آقای کوری مطرح شده است: «مخبران، فریب کارترین شهودی هستند که در دادگاه‌ها به کار گرفته می شوند. فجیع ترین پرونده، پرونده‌ای است که در آن شمار زیادی مخبر به کار گرفته شود. آن‌ها مانند کرکس که به لاشه‌ی گوشت و کوسه ماهی که به خون اشتیاق دارد به شهادت دادن علاقه مند هستند. آن‌ها دروغ گویانی متقاعدکننده و به طور کامل غیرقابل اعتماد هستند» (Genua 2007: 3). علاوه بر این، برخی مخبران، شهود بسیار خوبی هستند، به این علت که آن‌ها تجربه‌های قابل توجهی در شهادت دادن به عنوان مخبر در گذشته داشته‌اند (Sherrin 1997: 117). به طور قطع آن‌ها انگیزه‌های قوی‌ای داشته و هیچ گونه شکمی را در مورد ادای شهادت دروغ به خود راه نمی دهند و می دانند که چگونه داستان‌سرایی کنند که - حتی با وجود دروغ بودن - قانع کننده باشد (White 1991:136).

کوری اظهار می دارد: «شاید بزرگ ترین خطر شهادت مخبران از توانایی آن‌ها برای ادای شهادت دروغ در یک حالت متقاعدکننده نشأت بگیرد. بازپرس سوفانو بیان داشته که چگونه یک بازپرس باتجربه فکر کرد که آقای مارتین - یک مخبر حرفه‌ای با سابقه محکومیت شهادت دروغ - شاهدی قابل اعتماد است» (Genua 2007: 4).

در خصوص استفاده از اطلاعات شرکای جرم به عنوان شهادت و خصوصاً صدور حکم تنها بر اساس چنین شهادتی، به شدت تردید وجود دارد. هرچند در برخی کشورها، مثل سیستم‌های حقوقی انگلستان و ایرلند، افشاگری‌های مجرمان و اظهارات شرکای جرم عنصر اساسی عدالت

کیفری محسوب می‌شود؛ لیکن در کشوری مثل آلمان چنین رویه‌ای بعد از چند سال اجراء، کنار گذاشته شده است (Abadinsky 1994: 109-110).

بر اساس قوانین برخی دیگر از کشورها از جمله کانادا دلایل شرکا و هم‌دستان مجرم در یک جرم عموماً معیوب است، به این دلیل که معمولاً این کار جهت رهایی خود شخص صورت می‌پذیرد. به‌عنوان مثال، دیوان عالی کانادا سه دلیل را در مورد چرایی غیرقابل‌اعتماد و اتکا بودن دلایل هم‌دستان ذکر کرده است: اول؛ ممکن است یک مجرم به‌دروغ اظهاراتی بیان کند تا دیگران را مقصر جلوه دهد و به‌این ترتیب نقش خود را در جرم کم‌رنگ جلوه دهد و به تبع آن، مجازات کم‌تری را دریافت کند. دوم؛ ممکن است برای نجات دوستان و هم‌دستانش، به‌دروغ دیگران را متهم کند. سوم؛ شرکا از نظر اخلاقی مجرم هستند و بنابراین شهادت آن‌ها به‌طور خودبه‌خود قابل‌باور نیست. اساساً یک قاعده‌ی حقوقی وجود دارد که دلایل ارائه‌شده از سوی هم‌دستان یک جرم غیرقابل‌اعتماد هستند^۱، مگر این که آن دلایل در یک محکمه اثبات شوند (Ferguson 2007: 811).

باین وجود، ماده ۳۷ کنوانسیون مریدا به‌طور واضح استفاده از چنین دلایلی را پیش‌بینی کرده است؛ اما مشخص نکرده چه اقدامات احتیاطی‌ای قبل از استفاده‌ی از آن‌ها اتخاذ شود. به‌هرحال، کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی در این زمینه تضمینات مختلفی را پیش‌بینی نموده است. به‌عنوان مثال بند (ه) قسمت (۳) ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی مقرر داشته: متهم می‌تواند جهت تحقیق در مورد شهود، اعتبار وی را مورد تردید قرار دهد و بر اساس بند ب قسمت (۳) ماده ۱۴ همان کنوانسیون که توسط کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل مورد تفسیر قرار گرفته است، متهم برای فراهم کردن دفاع از خود حق دسترسی به مدارک و سایر ادله را دارد. این دسترسی به ادله شامل هر نوع اطلاعات و مدارک مرتبط با قرارداد شریک مجرمش - اطلاعات و مدارکی که برای همکاری در تحقیق و تعقیب سایر مظنونین از آن‌ها استفاده‌شده - نیز می‌شود.

بنابراین، همکاری متهم با نهاد تعقیب در فرآیند دادرسی کیفری و معرفی هم‌دستان و مجرمین دانه‌درشت به مقام تعقیب به دلایلی چندان قابل‌پذیرش نیست، مانند اینکه این قبیل

۱. این قاعده‌ی حقوقی در حقوق جزای اسلامی «لزوم ارتفاع تهمت در شهادت» نامیده می‌شود. منظور از «ارتفاع تهمت» این است که وقتی کسی علیه دیگری در امور کیفری شهادت می‌دهد، خودش در معرض همان اتهام و شریک یا معاون جرم کسی که علیه او شهادت می‌دهد نباشد. به تعبیر دیگر تهمت آن جرم در مورد او «مرتفع» باشد؛ بنابراین اظهارات کسانی که به جرم واحد متهم و به‌اصطلاح «هم‌پرونده» هستند علیه یکدیگر قابل استناد نیست ولو این که این مطالب را ضمن اقرار علیه خودشان بیان کرده باشند.

اظهارات در مورد دیگران، به هیچ وجه نمی تواند به عنوان «اقرار» درباره دیگران مؤثر باشد، چراکه براساس قانون مدنی: «اقرار هر کس، نسبت به خود آن شخص و قایم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست»؛ ثانیاً، طبق نظر برخی حقوقدانان، این قبیل اظهارات، اثر شهادت را هم ندارد و لذا محاکم کیفری نباید احکامی مُستند به اظهارات این اشخاص، صادر کنند و فقط اگر اظهارات این اشخاص نزد بازپرس، موجب جمع آوری ادله و مدارکی شده، به همان ادله و مدارک باید استناد نمایند؛ چراکه تردیدی نیست که اشخاص مزبور اغلب در نتیجه توصیه بازپرس و تشویق به استفاده از تخفیف یا معافیت، اظهاراتی می کنند و برای اخذ تخفیف و نجات خود، ممکن است مطابق مذاق بازپرس، حرف هایی بزنند؛ یعنی آنچه بازپرس به آن مظنون است، تأیید کنند. هیچ جای شبهه نیست که این اظهارات را در عوض تحصیل تخفیف یا معافیت از مجازات می کنند و اگر هم قانون این تخفیف یا معافیت را قائل شود، اظهارکننده در مقابل عوض حرفی می زند و از همین جهت است که عنوان او با شاهد فرق می کند؛ زیرا شاهد اطلاعی را فقط برای گفتن حقیقت و بدون توجه به طرفین و نتیجه شهادت خود، می دهد و عوضی را متوقع نیست؛ لذا به بی طرفی و صحت اظهارات او می توان اعتماد کرد؛ اما وقتی کسی به قصد تحصیل عوضی اظهار می کند؛ اولاً، نفس عمل مزیل حرمتی است که شهادت دارد؛ ثانیاً، چون مورد از مواردی است که اظهارکننده نفعی برای خود تصور می کند، شهادت او پذیرفته نیست، کما اینکه در باب مخصوص شهادت در قانون مدنی، این مسئله ذکر شده است. بدیهی است که قواعد مربوط به اقرار و شهادت، همان طور که در امور مدنی مرعی است، در امور کیفری نیز لازم الرعایه است و مخصوصاً، بیشتر باید مورد دقت قرار گیرد (مرادی ۱۳۹۱: ۲۸۰).

بند چهارم: تعارض با اصل مشروعیت تحصیل دلیل

اقامه دعوی از سوی قدرت عمومی علیه کسی که بی گناهی او به موجب اصل برائت مفروض است و محکوم کردن او به مجازات، با توسل به هر شیوه و تحصیل دلیل با نام و عنوان «دلیل» پذیرفته نیست. چنین عملکردی نه تنها با موازین عدالت سازگاری ندارد، بلکه راه حلی است که گرچه در کوتاه مدت شاید نتایجی را دربر داشته باشد، ولی در درازمدت توالی فاسد آن که در نهایت متوجه دستگاه عدالت کیفری و جامعه شده - به استناد شواهد تاریخی - بی اعتمادی شهروندان به دستگاه قضایی و موجبات توسل آنان به انتقام خصوصی را فراهم خواهد آورد (ترخانی ۱۳۸۴: ۱۵۲).

دلیل به عنوان یکی از رکن‌های اساسی دادرسی کیفری به دنبال کشف حقیقت و اثبات واقعیت است. همین سازوکار دلیل در امور کیفری، ایجاب می‌کند تا در دعواهای کیفری، اصل تحصیل آزادانه‌ی دلیل دنبال شود. حقیقت نمی‌تواند به هر شیوه و وسیله‌ای به دست آید. شأن و منزلت نظام قضایی و احترام به عدالت و حقوق انسانی، مستلزم جلوگیری از به کار بردن وسایلی است که ارزش‌های اساسی تمدن بشری و رسیدن به یک دادرسی عادلانه را به مخاطره می‌اندازد؛ بنابراین، اگرچه می‌توان با توسل به انواع و اقسام دلیل مبادرت به اثبات جرم کرد، اما استفاده از شیوه‌ای که محدودیت‌های قانونی را رعایت نکرده باشد سبب سلب ارزش اثباتی و قضایی آن دلیل می‌شود. به همین علت، به دنبال اصل آزادی تحصیل دلیل، بحث مشروعیت تحصیل دلیل مطرح می‌شود و هرگونه دلیل غیرقانونی و شیوه‌ی نامشروع در کسب دلیل محکوم می‌شود (تدین ۱۳۸۸: ۱۹۵) و به نظر می‌رسد که به دست آمده آوردن اطلاعات از طریق مخبران، شیوه‌ای نادرست باشد و نباید فقط با اتکا به اظهارات این افراد جهت اثبات اتهامی علیه دیگران اکتفا نمود.

بند پنجم: تعارض با اعتبار و شأن مجریان عدالت کیفری

جایگاه و اهمیت دستگاه قضا و عدالت کیفری از گذشته تا کنون، ایجاب می‌کند هرگاه سخن از نهادهای قضایی و دستیاران قضایی به میان می‌آید، نقشی از اعتماد و اطمینان خاطر در اذهان تجلی یابد. مجموعه‌ی فرایند دادرسی کیفری از مرحله‌ی کشف تا اجرای مجازات که هدف اصلی آن، کشف حقیقت و مبارزه با بزه‌کاری است؛ خود باید از هرگونه عملکرد بزه‌کارانه و هر رفتاری که تنزل کرامت مقام قضا و نهاد دادگستری و در مجموع سازمان عدالت کیفری را به همراه خواهد داشت، مصون و مبرا باشد. «برای مقابله با بزه‌کاری، نباید از روش‌های بزه‌کارانه و طُرقی که به کار بستن آن‌ها شایسته‌ی مقام عدالت نیست، بهره جست که این نقض غرض است» (پژمان پورزند مقدم ۱۳۸۸: ۲۹).

هرچند انحراف فرایند دادرسی از مسیر عادی و قانونمند خود، نشانه‌ی عدم مشروعیت تحصیل دلیل دانسته شده (Pradel 2007: 373)، ولی در جوامع امروزی که اجتماع حیات خود را در مخاطره با جرایم پیچیده و سازمان‌یافته می‌بیند و از حقوق کیفری «شهروندمدار» به سمت حقوق کیفری «دشمن‌مدار» گام برمی‌دارد (رنالد اتنف و نجفی ابرندآبادی ۱۳۸۳: ۳۱۹) و به برقراری نظم و احیای امنیت در جامعه بیش‌تر از اجرای عدالت توجه می‌نماید، این اهمیت و شدت جرم ارتكابی است که تناسب شیوه‌ی تحصیل دلیل و مشروعیت آن را تعریف و تبیین

می‌کند. پس گاه توجه به امنیت در اجتماع به واسطه‌ی شدت و اهمیت جرایم باعث می‌شود که در وهله‌ی نخست، حقوق افراد در اجتماع در معرض تهدید و خطر قرار گیرد و در وهله‌ی دوم، از اصول و قواعد پذیرفته‌شده در فرایند دادرسی مانند اصل براءت، اصل مشروعیت تحصیل دلیل و ... عدول شود؛ اما در هر صورت تخطی از اصولی چون اصل مشروعیت تحصیل دلیل به معنای نادیده‌انگاشتن حقوق افراد یا شأن و منزلت عدالت و دادگستری است.

بند ششم: تعارض با اصل قطعیت مجازات‌ها

قطعیت و سرعت در اجرای کیفر از لوازم و شرایط بازدارندگی آن است که به این امر اندیشمندانی چون بکاریا در کتاب مشهور خود رساله جرایم و مجازات‌ها در سال ۱۷۶۴ پرداخته است. به نظر وی «اصل، در حتمیت و قاطعیت در مجازات بزه‌کار است و اگر مردم بدانند که در صورت ارتکاب جرم حتماً مجازات خواهند شد، از ارتکاب بزه خودداری خواهند کرد» (گلدوزیان ۱۳۸۳: ۶۷).

به محض این که حکم صادره قطعی شد، این حکم دارای اعتبار امر مختومه است و مجازات از نظر قضایی غیرقابل تغییر است. ولی باید یادآوری کرد که در جریان مجازات با توجه به اختیارات قانونی، حکم قطعی کیفری در معرض تغییر است، تقریباً در عمل، مجازات‌ها، کم‌تر به‌طور کامل به مورد اجرا گذارده می‌شود.

در مورد مُخبران هم به همین صورت است، یعنی زمانی که امیدوارند با ارائه‌ی یک سری اطلاعات از مصونیت یا حداقل، تخفیف مجازات بهره‌مند خواهند شد، دست به هر کاری می‌زنند و اینجاست که اصل قطعیت مجازات‌ها که خود یک عامل بازدارنده است اثر بازدارندگی خود را از دست داده و به‌عنوان یک حربه در اختیار بزه‌کاران حرفه‌ای قرار می‌گیرد. در واقع زمانی مجرم، مجازات را در حسابگری سود و زیان ناشی از ارتکاب جرم، پیش از ارتکاب آن در نظر می‌گیرد و زمانی ترس از مجازات باعث افزایش خودکنترلی مجرم در برابر وسوسه‌های ارتکاب جرم می‌شود که او از اجرای مجازات مطمئن باشد؛ اما این نهاد، اطمینان مجرم از اجرای مجازات مقرر در قانون برای ارتکاب جرم خاص را از بین می‌برد و احتمال تیرئه یا محکومیت به مجازات‌های سبک، در نتیجه مذاکره با مقام تعقیب و خبرگیری را جایگزین اطمینان قوی به محکومیت به مجازات مقرر در صورت دستگیری، در حسابگری‌های مجرم می‌کند؛ بنابراین، او سود ناشی از ارتکاب جرم را بسیار بیشتر از ضرر آن که یک احتمال ناچیز به محکومیتی سبک در صورت دستگیری است می‌یابد، در نتیجه ریسک ارتکاب جرم را

به آسانی می پذیرد.

اهمیت این نکته با توجه به مفهوم «ابر بزهدار» آشکارتر می شود، این ها یک اقلیت کوچک مباشر جرم در مجموعه جرایم شناخته شده هستند و در مورد آن ها می توان گفت حدود ۱۰ درصد جمعیت جنایی هستند که تقریباً مرتکب ۵۰ درصد جرایم شناخته شده می شوند (گسن ۱۳۸۸: ۲۲۱). این مجرمین که حتی با علم به احتمال محکومیت به سخت ترین مجازات ها مرتکب جرم می شوند، اگر احتمال بدهند که در صورت دستگیری امکان مذاکره با مقام تعقیب و گرفتن تخفیف در مجازات و ... را دارند، به مراتب برای ارتکاب جرم بسیار جسورتر می شوند. این امر به ویژه در مورد مجرمینی که یک بار مرتکب جرم شده و به جای مجازات مقرر از مزایای دادوستد اتهامی و چانه زنی بهره برده اند، صادق تر است.

بند هفتم: تعارض باهدف بازدارندگی مجازات ها

به طور کلی بازدارندگی یکی از اهداف کیفر تلقی می شود. به عبارت دیگر، بازدارندگی را می توان یک شیوه یا ابزار برای رسیدن به هدفی کلان، یعنی پیش گیری یا کاهش جرم نامید. بازدارندگی یا «ارباب خاص یعنی ترسی که در خود محکوم علیه از اجرای مجازات در مورد او ناشی می شود و باعث می شود تا دیگر مرتکب جرم و به معنی دقیق تر، مرتکب تکرار جرم نشود» (صفاری ۱۳۸۴: ۱۰۹).

کارایی نظریه بازدارندگی مجازات ها بر عناصر شدت، حتمیت و سرعت اجرای مجازات ها مبتنی است (محمودی جانکی و آقایی ۱۳۸۷: ۳۵۹)، لیکن واقع امر آن است که وقتی بزهداری به عنوان مخبر عمل می کند فرصت اصلاح وی از طریق مجازات از بین می برد، چون یا مانع اجرای مجازات می شود یا آن را با تخفیف روبه رو می کند. در ضمن اگر در نتیجه اجرای این امر، مجرم برای همکاری با پلیس به صحنه ارتکاب جرم باز گردد (برای صحنه سازی) تا دیگر مجرمین را به دام اندازد، اصلاح مجرم با مشکل جدی روبه رو می شود. به طور کلی، عفو یا مصونیت در پرونده های جرم اقتصادی، با اهداف بازدارندگی، مسئولیت کیفری و برکناری اشخاص فاسد از سمت هایی که ممکن است مجدداً در آن ها مرتکب فساد شوند، مغایر است. چندین مقرر از کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد از این خط مشی حمایت کرده اند که مهم ترین آن ها در ماده (۳۰) آمده است. در این ماده مقرر شده به هنگام تحمیل ضمانت اجراها، شدت جرم مورد توجه قرار گیرد.

باین حال، شرایطی وجود دارد که می توان عفو عمومی یا مصونیت را اعمال کرد. مصونیت

یا به هر شکل تخفیف مجازات‌ها ممکن است در جایی اعطا شود که متهم جرم اقتصادی را گزارش یا به نحو دیگری به مراجع ذی صلاح کمک یا با آن‌ها همکاری کرده است. این موارد به صراحت در ماده (۳۷) کنوانسیون آمده است.

مصونیت و تخفیف معمولاً در جایی به اجرا درمی‌آید که شخص تحت تعقیب با مراجع ذی صلاح همکاری داشته و این موضوع به اعمال صلاح‌دید در هر پرونده مربوط می‌شود. ماهیت و میزان این صلاح‌دید به اصول بنیادین نظام حقوقی کشور مورد نظر بستگی دارد. در بعضی نظام‌ها، مقامات تعقیب می‌توانند تعقیب را متوقف کنند و متعهد شوند اگر متهم همکاری کند از تعقیب دست بردارند. در دیگر نظام‌ها، مقامات تعقیبی که ادله‌ی جرم را در اختیاردارند، از لحاظ قانونی موظفند آن را تعقیب کنند و در چنین مواردی باید مصونیت قانونی وجود داشته باشد. اصولاً قضات باید بر اساس ارزیابی خود از بزه و شدت آن و هر مبنایی که قانون‌گذار در اختیارشان نهاده به تعیین مجازات مبادرت ورزند.

گفتار چهارم: راه‌کارهای رفع موانع

برای رفع ایرادات و موانعی که بر سر راه استفاده از مُخبران در نظام قضایی وجود دارد، نظام‌های حقوقی مختلف، راه‌کارهای گوناگونی را پیش‌بینی کرده‌اند که ما برای نمونه، سیستم حقوقی فرانسه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

قانون مجازات فرانسه در ماده ۷۸-۱۳۲ (الحاقی به‌موجب قانون ۹ مارس ۲۰۰۴) مقرر می‌دارد: شخصی که شروع به ارتکاب یک جنحه یا جرمی کرده، اگر با آگاه کردن مسئولان اداری یا قضایی مربوط از تحقق جرم جلوگیری کرده و در صورت مقتضی دیگر مرتکبان و شرکای جرم را شناسایی کند؛ مجازاتش طبق قانون ساقط می‌شود. در موارد پیش‌بینی شده به‌موجب قانون، دوران کیفر حبس قانونی شخصی که مرتکب جنحه یا جنایتی شده در صورتی که مقام اداری یا قضایی را به نحوی آگاه نماید که به آن‌ها امکان متوقف ساختن جرم را بدهد، یا دیگر شرکا و معاونان جرم را معرفی نماید، تخفیف می‌یابد. مفاد شق پیشین هم‌چنین به هنگامی که شخص از وقوع یک جرم مرتبط با ماهیت همان جنحه یا جنایتی - که به خاطر آن تحت پیگرد است - به نحوی از انحاء جلوگیری کند نیز شامل می‌شود. هم‌چنین، در مورد شخصی که از تحقق خسارت ناشی از چنین جرم یا جنحه‌ای جلوگیری کند یا شرکا یا معاونین آن را معرفی نماید، همان تدابیر و تخفیف‌ها در موردش اعمال می‌شود. هیچ محکومیتی نمی‌تواند تنها بر اساس اظهارات شخصی که موضوع مفاد ماده‌ی کنونی باشد، مورد

حکم قرار گیرد و بر اساس ماده ۸۷-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، در باب اطلاعات مُخبران نفوذی، مقرر می‌دارد: «هیچ محکومیتی نمی‌تواند تنها بر اساس توضیحات و ملاحظات افسران یا مأموران پلیس قضایی که در عملیات مخفی (نفوذ در باندهای مجرمانه) شرکت داشته‌اند، صادر شود؛ یا در ماده ۸۶-۷۰۶ همین قانون، امکان مواجهه‌ی متهم با مُخبر نفوذی را طی شرایط مذکور در ماده ۶۱-۷۰۶ مقرر داشته و بیان شده که این مواجهه نباید به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منجر به افشای هویت وی (مخبر) شود.

نتیجه‌گیری

از آنجا که کشف و اثبات جرایم اقتصادی، با دشواری فراوان همراه است، شناخت شیوه‌های ارتکاب جرم، هویت سایر مرتکبان و معاونان جرم و نیز بازیابی عواید مجرمانه که ممکن است برای توسعه کشور جنبه‌ی حیاتی داشته باشد با همکاری خود بزه‌کاران تسهیل می‌شود. طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته (پالمو) و کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد (مریدا) لازم است کشورها در قوانین کیفری برای ترغیب آن دسته از مرتکبان این جرایم که قبل از تعقیب یا در حین تحقیق، همکاری مؤثری با نظام قضایی داشته‌اند؛ تدابیر مناسبی در نظر گیرند. این تدابیر می‌تواند به صورت معافیت، تخفیف، تعلیق یا تعویق مجازات این قبیل اشخاص توسط مقنن پیش‌بینی شود یا اختیار چنین ارفاقی به قضات داده شود. در عین حال این نگرانی وجود دارد که استفاده‌ی نادرست از چنین تدابیری ممکن است مبانی دادرسی عادلانه را زیر سؤال برد یا با اصول حاکم بر مجازات‌ها از جمله قطعیت مجازات‌ها در تعارض باشد. به همین دلیل نیاز است بین این ملاحظات متعارض توازن ایجاد شود و به نوعی بین حقوق فردی و منافع اجتماعی آشتی داد. چون اگر اجازه‌ی استفاده از مُخبران به نظام قضایی داده نشود، عملکرد دستگاه قضایی در ایفای وظایف و حفظ منافع جامعه به مشکل برمی‌خورد و اگر به نظام قضایی اجازه‌ی استفاده از این روش داده شود؛ حقوق متهمان در خطر می‌افتد. به همین دلیل است که در نظام‌های حقوقی متحول مانند فرانسه سازوکارهایی در این زمینه از جمله مواجهه‌ی حضوری متهم با مُخبر پیش‌بینی شده است.

استفاده از اطلاعات مُخبران جهت متهم کردن دیگران، بایستی تحت شرایطی کاملاً کنترل شده و با رعایت اصول حاکم بر دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی متهم صورت پذیرد. پیشنهادهای نگارنده جهت رعایت این امر - که به نظر باید در قوانین کیفری مربوطه پیش‌بینی

شوند - به شرح زیر است:

اول؛ هیچ‌گاه اطلاعاتِ مٌخبران - به‌تنهایی - دلیلی برای اثبات اتهام به شمار نرود.

دوم؛ تصمیمات اتخاذی دال بر عدم افشا هویت مٌخبران، قابل‌اعتماد بودن مٌخبر و اطلاعات وی، توسط مقامی مستقل موردبررسی قرار گیرد تا بین این اقدام حمایتی از یک‌سو و حقوق متهم از سوی دیگر توازن ایجاد شود.

در اینجا قبل از این که نسبت به مٌخبر در مقابل ارائه اطلاعات ارفاقی صورت بگیرد، باید اطلاعات ارائه‌شده از سوی وی بر اساس یک معیار نوعی سنجیده شود که این معیار، قابل‌اعتماد بودن یا نبودن اطلاعات مٌخبر را موردبررسی قرار می‌دهد. اطلاعات مربوط به مٌخبر باید به‌طور کامل در دسترس مقام مستقل قرار گرفته تا با توجه به شرایط زیر تصمیم‌گیری نماید: الف) مبنای اظهارات مٌخبر (به‌عنوان مثال اطلاعات مٌخبر بر اساس مشاهده وقوع عمل مجرمانه بوده یا خیر)؛ ب) حالتی که از مٌخبر اطلاعات گرفته‌شده است (مثل این که آیا در هنگام دریافت اطلاعات، از سؤال‌های تلقینی استفاده شده است؟)؛ ج) آگاهی از نوع ارتباط میان مٌخبر و متهمی که علیه او اطلاعاتی ارائه داده است؛ د) ویژگی‌های عمومی مٌخبر و سابقه‌ی کیفری وی؛ ه) تقاضایی که مٌخبر در مقابل ارائه اطلاعات از مقامات مربوطه دارد؛ و) صحت و سقم اطلاعاتی که مٌخبر قبلاً به مقامات قضایی داده است؛ ی) دقیق بودن اطلاعاتی که مٌخبر در مورد متهم ارائه داده است.

سوم؛ برای ارائه‌ی عمدی اطلاعات غلط و نادرست ضمانت اجراهای قانونی پیش‌بینی شود. این روش برای جلوگیری از ارائه عمدی اطلاعات غلط از سوی مٌخبران به مقامات است.

منابع

الف) فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۱، تهران، انتشارات سمت.
- پورزنده‌مقدم، پژمان (۱۳۸۰)، «ژرف ساخت دلیل کیفری»، *مجله حقوقی و قضایی دادگستری*، شماره ۳۴.
- تدین، عباس (۱۳۸۸)، *تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری*، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- تدین، عباس (۱۳۸۸)، «اصل مشروعیت تحصیل دلیل در پرتو آموزه‌های حقوق دانان و رویه قضایی ایران»، *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)*، تهران، بنیاد حقوق میزان.
- ترخانی، شهریار (۱۳۸۴)، «نحوه کسب ادله اثبات و قرائن و امارات جرم و احصاء آن‌ها»، *علوم جنایی (گزیده مقالات مبارزه با مواد مخدر در ایران)*، جلد اول، تهران، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- جعفری، امین (۱۳۸۶)، «ابراز پشیمانی از ارتکاب جرم اقتصادی و بازرگانی در حقوق فرانسه»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۶۱، ۱۰۵ تا ۱۱۸.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۸)، «دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران»، *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)*، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوق میزان.
- رنالد اتنف (۱۳۸۳)، «رہیافت جرم‌شناختی و بزهدیده‌شناسی به تروریسم (تحلیل جرم‌شناختی تروریسم)»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۹.
- رهامی، محسن (۱۳۸۷)، چاپ اول، *جرایم بدون بزه دیده*، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- دادخدایی، لیلا (۱۳۸۹)، *تعالی حقوق*، سال دوم، شماره ۶.
- صفاری، علی (۱۳۸۴)، «کیفرشناسی و توجیه کیفر»، *علوم جنایی*، جلد دوم، چاپ نخست، تهران، انتشارات سلسبیل.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۳)، *حقوق جزای عمومی ایران*، جلد اول، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه تهران.
- گسن، ریموند (۱۳۸۸)، *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد.
- لاگوت، استفانی (۱۳۸۴)، «دادرسی منصفانه و حقوق دفاعی [متهم] در موضوع‌های کیفری»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران*، سال نهم، ش ۱ (پیاپی ۴۱).

- معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضایی (۱۳۸۸)، چاپ اول، بهترین راهکارها برای حمایت از شهود در پرونده‌های کیفری مربوط به جرایم سازمان یافته، تهران، روزنامه رسمی.
- محمودی جانکی، فیروز و س آقایی (۱۳۸۷)، «بررسی نظریه بازدارندگی مجازات‌ها»، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲.
- مرادی، فرزانه (۱۳۹۱)، دادوستد اتهامی در فرایند دادرسی کیفری با تأکید بر نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
- میرسعیدی م و م زمانی (۱۳۹۲)، «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم.
- عالی پور، حسن (۱۳۸۷)، *توازن میان امنیت ملی و آزادی‌های فردی در مقابله با جرایم تروریستی*، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹)، *تقریرات درس جرم‌شناسی (کلیات، بزه کاری مزمن، پیشگیری زودرس، جرایم سازمان یافته)*.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، *تقریرات درس جرم‌شناسی (درآمدی بر جرم‌شناسی بزه کاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی)*.
- یوسفی مراغه مهدی، سعادت علی و قادر زارع مهدوی (۱۳۹۲)، «علل ارتکاب جرایم اقتصادی و راهکارها»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال پنجم، شماره سوم.

(ب) انگلیسی

- Abadinsky, Howard, 1994, *Organized crime*, 4th Ed, Chicago.
- Ferguson, Gerry, 2007, *Protection and treatment of witnesses and informants under the United Nations Convention against corruption and under Canadian Law*, Symposium on Canada- China Cooperation in Promoting Criminal Justice Reform, Vancouver
- Frindiches, David O, *Trusted criminal "White Collar Crime in Contemporary Society" 1995*, Wadsworth Publishing Company.
- Jensen, Neil.j: *technology and intelligence, journal of money laundering control, volume 8, no 3, 2005.*
- Ganong, Elizabeth, "Involuntary Confessions and the Jailhouse Informant: An Examination of Arizona v Fulminante" (1992), Hastings Constitutional Law Quarterly.
- Genua, Paul, "Prison Informants: Learning the Lessons of the Jailhouse Informant" (2007), online at: <http://www.google.com>.

- Haglund, Evan, "Impeaching the Underworld Informant" (1990), 63 Southern California Law Review.
- Pollitt v The Queen (1992), 174 C.L.R. 558 (Aus. H. Ct.)
- Pradel, Jean, (2007), *Manuel de Procedure Penal*, 13th edition, Paris, Cujas.
- Schur, Edwin, M.(1995), *Crimes without victims*, Prentice Hall, Inc.
- Sherrin, Christopher, "Jailhouse Informants, Part I: Problems with their Use" (1997). Criminal Law Quarterly 106 at pp. 106-107.
- Sjogren, Hans and Goran Skogh, 2004, *New perspectives on economic crime*, Edward Elgar publishing limited.
- The Swedish national council for crime prevention initiative on research in to economic crime "FINAL ACCOUNT" 1998 – 2002, brottsfore bygganderadet, 2004.
- Tiedeman, Klaus, 1976, "Phenomenology of Economic crime" council of Europe.
- United States v Bernal-Obesco, 989 F. 2d 331 (1993) (9th Cir. U.S. C.A).
- Welsh White, "Regulating Prison Informers under the Due Process Clause" (1991), 4 SUPREME COURT REVIEW 103.